

شرتکامل

بررسی رابطه مردم‌پزشکان از منظر حقوقی سازه‌ی بی‌اعتمادی

نعمت احمدی
حقوق‌دان

جایگاه پزشکان در جامعه ایران، جایگاهی متفاوت با بسیاری از کشورها و حرفه‌هاست. از نظر احترام، آثار و جایگاه حکیموار دارند و به‌خاطر باور مردم به مسئلهٔ «شفاف» احترام خاصی برای شفاء‌هنده‌های خود؛ یعنی حکیمان دیروز و پزشکان امروز قائل بوده و هستند. از نظر روانی نیز، جایگاه پزشکان اسرور و حکیمان دیروز، جایگاه مهمی است؛ چراکه حالت شناختنی می‌تواند روی بسیاری از جنبه‌های روانی و روانی بیمار اثرگذار باشد.

اگر به تاریخ نگاه کنید، چه در ایران باستان و چه در مذهب اسلام، پزشکی بوده‌اند که با درمان بیماران، جایگاه ویژه‌ای برای خود به وجود آورده و احترام ویژه‌ای برای اسفاده‌ندگان پس از خود فراهم کرده‌اند. دست شناختن سبب میان پزشکان چون امام جعفر صادق و امام شریعتی، گویای این واقعیت است که در پزشکی برای ما ایرانی‌ها، ریشهٔ بسیارآزینک مذهبی دارد و بنابراین، شناختشان، از حرمت و قداست بالایی برخوردار بوده‌اند.

این حرمت و قداست، امروز وارد علم پزشکی رزور کشور نیز شده است. حتی ورود تکنولوژی و درمان شیمیایی هم نتوانسته، این گذشتهٔ توام با احترام را از خاطر جامعه‌های پاک کند و شاید به‌خاطر همین صورت‌پا بوده که ما به پزشکان عنوان «دکتر» دادیم و آنها را در طول سن گذشته از سوی مرغان گذاشتیم.

حالا چه اتفاقی افتاده است که مسئلهٔ پزشکان و پزشکان و موضوع ریشه‌ها به یکی از دغدغه‌های مهم جامعه بدل شده و سازهٔ بی‌اعتمادی میان بیمار و پزشک، در حال گسترش‌دست است؟

بسیاری از مطرح‌شده در رابطه میان پزشک و بیمار را یک سو، نگاری و به این کمبود بینش در سال‌های اخیر از انقلاب و از اهمه کاهش، فرد و افرادی که منش و رفتارشان براساس حس شفافه‌ری برای مردم مردم داشته، کم هم بوده‌اند؛ عجب نیست که ما در طول تاریخ معاصر، حتی میزان پزشکان هندی، پاکستانی، فیلیپینی و نیگالندی هم بوده‌ایم که به کمک درمانگری در این‌ها تابشند.

در چنین شرایطی، نمی‌توان گفت شرایط امروز حاصل حاشیه امنی است که جامعهٔ پزشکان به‌خاطر احترام و حرمت و قداست مردم از یک سو و سرانه کم پزشکان در برای بیماران به دست آورده؛ دنیای پزشکی امروز تغییرات شگرفی کرده است؛ داروهای شیمیایی جای تجهیزات‌های را گرفته‌اند. تکنولوژی و روایت، ساختن عمل‌ها را با کمترین عوارض مقدر کرده‌اند، عطا یک تشخیص و تجویز نادرست، می‌تواند عوارضی به‌مراتب تلخ‌تر از خوردن دیگ ریشهٔ درخت دانه‌شته باشد. اما، این جایگاه چطور؟ جایگاه پزشکانی که تا دیروز و تا پیش از این روز بروز پزشک محرم عیاس کیارستمی، بخشی از روح جامعه را شکل می‌دادند؟

باید اعتراف کرد که در ایران، مردم پزشکی دستخوش تغییر تکنولوژی‌های شده، اما هنوز به خود شکای نمی‌دارد. نمونهٔ این نگاه می‌تواند در پیوندهٔ آقای کیارستمی مشاهده کرد. روند این پیونده یکی از معروف‌ترین چهره‌های سینمای ایران جاشن را از دست داد.

خوداوه که آن‌ها نیز همگی شهرونی در هنر و فرهنگ دارند، همان‌طی با صرف پیگیری پروندهٔ پزشکی‌ها، هنرمندانی به حمایت از این‌ها برخاستند، مردم را شرکت در مراسم شش‌پای یک‌پاش، حسابهٔ آفرینند، در جهان چندین فستیوال و کنگره به‌خاطر ایشان برگزار شد، اما در کشور چه کردیم؟ حتی موفق ننشدیم محتویات این پیونده را در معرض قضاوت دانشجویان پزشکی یا دیگر پزشکان کشور قرار دهیم. چرا؟ چون فضای کلی کشور به‌نفع جامعهٔ پزشکان بود.

در غرب اینگونه نیست. غرب به‌ورودی تندتوی و بی‌ترحم بی‌مبوهی‌ای پزشکان یاد دارد و شاید به همین خاطر است که بیسهٔ مسئولیت حوزهٔ پزشکی در غرب چندین‌برابر مبلغ آن ایران است. فضا، آنها نیست؛ جامعهٔ پزشکی و فضای درمان در کشور تفاوت‌هایی مهم دیگر هم با دنیای غرب و مد غربی دارد. تجهیزات پزشکی ما در دست قاطع‌الجانبان است. دارو را از نادر، بی‌مبوهی، سیستم خوددرمانی به علت اگاری و ویزیت‌ها جریان جدی دارد. عقوبت پس از جراحی، یک پدیدهٔ قابل تأمل است و دروغی نگاه ما به پزشک، هنوز همان‌طی است.

به همین خاطر است که جامعهٔ پزشکان کیارستمی را بی‌مربوط به این کارکردن محرم می‌دانند. حتی کیارستمی، به بحث رفت نیست، بحث جامعه‌ای است که اعتماد را به شفاگران خود از دست داده و این از دست می‌دهد. داده‌گاه حوزهٔ پزشکی که می‌توانست در این زمینه، اعتمادها را بازیابی کند، موفق به این کار نشده و به‌جای آن به عنوان جابجای پزشکی در جامعهٔ عمل کرد. در همان وقتی فضا،هم به‌بخشنامه‌ای داد که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

عبد الرحمن نجل رحیم مصطفی‌شاس و مصطفی‌پرو

یک سال از جریان بیماری و مرگ عباس کیارستمی می‌گذرد. در این مدت، به جای‌جاشی برخاسته از این اتفاق ناگوار، بسیاری از گوشه‌های تاریک پیوندهٔ پزشکی و مولا و علنی شده است. شاید خصوصی‌شدن محتویات این پیونده، فرصتی باشد برای طرح مسائلی که پیش از آن اسندرم کیارستمی، می‌نامم. تلاش کیارستمی و به‌عنوان یک هنرمند، این بوده که دروازهٔ دسترسی استعاری و تبلیغی خود را در تارشب به واقعیت عینی درآورد. از سویی دیگر، علم پزشکی از دوران رنسانس با بعد، با وجود پیشرفت‌های شگفت‌انگیزش در گسترش فهم ما از نحوهٔ کارکرد اعضای بدن و بیماری‌های آن موفق نشده است نیز. آنچه در بدن انسان می‌گذرد، با آنچه در ذهن او می‌گذرد، وحدت لازم را ایجاد کند و آن را به‌طور انسجام‌یافته در اندک تشخیص و درمان به کار گیرد.

پیشرفت‌های شگفت‌انگیزش در گسترش فهم ما از نحوهٔ کارکرد اعضای بدن و بیماری‌های آن موفق نشده است نیز. آنچه در بدن انسان می‌گذرد، با آنچه در ذهن او می‌گذرد، وحدت لازم را ایجاد کند و آن را به‌طور انسجام‌یافته در اندک تشخیص و درمان به کار گیرد. در شرایط فعلی راه‌حل موفق حفظ این شفاف در پزشکی، وجود کانالوژی (بیماری‌های روانی، در کنار بیماری‌های جسمانی است، به نظر من. پزشکی هنگامی می‌تواند روی این شفاف بدل بزند که بتواند از طریق شناختن استعاری و مفهومی سازهٔ بی‌اعتمادی، با بیمار و غیرپزشکان (که زبان فنی‌شان را نمی‌فهمند)، ارتباط ایجاد کند. این راه، هرچه بیشتر ذهنیت آنها را نیز در زمان درمان به کار گیرد.

مغزویژه امروز نشان داده است که مغز همه با انسان‌ها از راه ساختن استعاره‌ها به درک و فهم جهان می‌رسد. بنابراین ما پزشکان نیز مانند هنرمندان باید قادر به ساختن استعاره‌های ملموس و عینی برای مفاهیم پیچیدهٔ حیات و چگونگی فعالیت بدن انسان در سلامت و بیماری باشیم و از توان بی‌ظیر بیماران و همراهان آنها، در درمان کمک بگیریم. هرگاه امروز باید کرد، بیمار از بسیاری از مفاهیم‌های درمانی، چه گاه و چه گاهنگ از طریق تشکلات سلسلهٔ اعتماد، بر نظام هویت‌ها، سیستم ایمنی و گردش خون اثر نمی‌گذارند و موجب هارمونی و همسازي فعال و یکپارچهٔ جان و تن می‌شوند. بدین سبب است که به‌کارانداختن بسیاری از این مکاتبه‌ها، به مشارکت بیمار و پزشک، در فهم پیوندهٔ بدن از طریق استعاره‌سازی نیاز دارند. حال که مردم به پزشک‌های خود، به‌تیرگی ذهنی، متعالی و انگیزه‌رسان نشان می‌دهند، پس از این ارتباط نظر (مکانوسه‌های عیب و غریبال مسترس باشد، اگر رسیدن به این لذت ذهنی‌طعم در تجربهٔ فیزیکی خوردن را در استعاره‌های بیماری‌های اخیر «کیارستمی» می‌تواند و تسن بدل بزند و بیمار بیمار و پزشک را تقویت کند. به همین دلیل راه‌حلی که ما در طول تاریخ معاصر، حتی میزان پزشکان هندی، پاکستانی، فیلیپینی و نیگالندی هم بوده‌ایم که به کمک درمانگری در این‌ها تابشند.

در چنین شرایطی، نمی‌توان گفت شرایط امروز حاصل حاشیه امنی است که جامعهٔ پزشکان به‌خاطر احترام و حرمت و قداست مردم از یک سو و سرانه کم پزشکان در برای بیماران به دست آورده؛ دنیای پزشکی امروز تغییرات شگرفی کرده است؛ داروهای شیمیایی جای تجهیزات‌های را گرفته‌اند. تکنولوژی و روایت، ساختن عمل‌ها را با کمترین عوارض مقدر کرده‌اند، عطا یک تشخیص و تجویز نادرست، می‌تواند عوارضی به‌مراتب تلخ‌تر از خوردن دیگ ریشهٔ درخت دانه‌شته باشد. اما، این جایگاه چطور؟ جایگاه پزشکانی که تا دیروز و تا پیش از این روز بروز پزشک محرم عیاس کیارستمی، بخشی از روح جامعه را شکل می‌دادند؟

باید اعتراف کرد که در ایران، مردم پزشکی دستخوش تغییر تکنولوژی‌های شده، اما هنوز به خود شکای نمی‌دارد. نمونهٔ این نگاه می‌تواند در پیوندهٔ آقای کیارستمی مشاهده کرد. روند این پیونده یکی از معروف‌ترین چهره‌های سینمای ایران جاشن را از دست داد.

خوداوه که آن‌ها نیز همگی شهرونی در هنر و فرهنگ دارند، همان‌طی با صرف پیگیری پروندهٔ پزشکی‌ها، هنرمندانی به حمایت از این‌ها برخاستند، مردم را شرکت در مراسم شش‌پای یک‌پاش، حسابهٔ آفرینند، در جهان چندین فستیوال و کنگره به‌خاطر ایشان برگزار شد، اما در کشور چه کردیم؟ حتی موفق ننشدیم محتویات این پیونده را در معرض قضاوت دانشجویان پزشکی یا دیگر پزشکان کشور قرار دهیم. چرا؟ چون فضای کلی کشور به‌نفع جامعهٔ پزشکان بود.

در غرب اینگونه نیست. غرب به‌ورودی تندتوی و بی‌ترحم بی‌مبوهی‌ای پزشکان یاد دارد و شاید به همین خاطر است که بیسهٔ مسئولیت حوزهٔ پزشکی در غرب چندین‌برابر مبلغ آن ایران است. فضا، آنها نیست؛ جامعهٔ پزشکی و فضای درمان در کشور تفاوت‌هایی مهم دیگر هم با دنیای غرب و مد غربی دارد. تجهیزات پزشکی ما در دست قاطع‌الجانبان است. دارو را از نادر، بی‌مبوهی، سیستم خوددرمانی به علت اگاری و ویزیت‌ها جریان جدی دارد. عقوبت پس از جراحی، یک پدیدهٔ قابل تأمل است و دروغی نگاه ما به پزشک، هنوز همان‌طی است.

به همین خاطر است که جامعهٔ پزشکان کیارستمی را بی‌مربوط به این کارکردن محرم می‌دانند. حتی کیارستمی، به بحث رفت نیست، بحث جامعه‌ای است که اعتماد را به شفاگران خود از دست داده و این از دست می‌دهد. داده‌گاه حوزهٔ پزشکی که می‌توانست در این زمینه، اعتمادها را بازیابی کند، موفق به این کار نشده و به‌جای آن به عنوان جابجای پزشکی در جامعهٔ عمل کرد. در همان وقتی فضا،هم به‌بخشنامه‌ای داد که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

مقدمات سفری پرکنفش و شهود توانمان فیزیکی، عینی و درعین حال درونی و ذهنی را به تماشاگر وعده می‌دهد و در قبال انتظار، سالماً موقعیت آسانسایان را در طبیعت و جامعه، به ما گوشزد می‌کند. این راه‌ها، جاده‌ها و به قول خود «کیارستمی»، خراش‌های روی پوسته زمین در فیلم «خانه‌ها» که با زندگی انسان‌ها روی کرهٔ زمین ایجاد شده، شایعات‌های شگفت‌انگیزی با راه‌ها و جاده‌های درون جسم انسان در کنوایی زندگی دارد. به تشکیلات عظیم گوشه‌ای، گردش خون و لنف، شبکه‌های رزدم، پدیدهٔ اعصاب محیطی در اقصی‌نقاط بدن را راه‌های کهنشانی شیری در ارتباطات نیروهای مغز، فیزیک و جنبش پنهان از تجربیات روزمره هستند که در دیده شوند، شایات عجیبی دارند به کیارستمی» از جریان زندگی در مقابل دیدگان تصویر می‌کند. ما به عنوان انسان از طریق احساس‌های کیفی ذهنی (گویای) از این غوغای فیزیکی و عینیت درونی‌مان، باخبر می‌شویم.

استخراج منها از اتفاقات عادی طبیعت

«کیارستمی» در فیلم‌های کوتاه خود از به ظاهر بی‌معانترین اتفاقات مکرر و عادی در طبیعت، استعاره‌های معنادار بیرون می‌کشد. مثل پیوند حرکات و جنب و جوش مضطربانه و عجلانهٔ پزشکان و پیوند آن با صدای دیدم‌تیر جانوران دیگر چون عمووی گس با آملوچ دریا که مکرر به ساحل می‌رسد و ربط آن با نوربشت که از جویو خنجر سرد و ساحل و نشان‌اند تالشی آملوچ برای دوتکه‌کردن قطعه‌چوب، بردن نیمه سنگین که به‌فهر زیرا و مسردن نیمه سنگی به ساحل با اسرار آملوچ دریا در گذراندن تک‌نهای مغزان دریایی از ساحل امن و پس‌ردن آنها به دریا و سحر دیاف ضمه‌اداد، استعارهٔ امیرغان مادر دریایی برای حفظ آنها (شاید برای ماندن و جوده‌شدن).

وحدت ذهن و تن

«کیارستمی» در ساختن استعاره‌های مفهومی در زمینهٔ کارکرد اعضای بدن انسان نیز استاد است. او در همان دوران اولیهٔ فیلم‌سازی‌اش، فیلم کوتاه «مدان درد» را برای کانل پوروش قهری ایجاد کرد. این راه، هرچه بیشتر ذهنیت آنها را نیز در زمان درمان به کار گیرد.

مغزویژه امروز نشان داده است که مغز همه با انسان‌ها از راه ساختن استعاره‌ها به درک و فهم جهان می‌رسد. بنابراین ما پزشکان نیز مانند هنرمندان باید قادر به ساختن استعاره‌های ملموس و عینی برای مفاهیم پیچیدهٔ حیات و چگونگی فعالیت بدن انسان در سلامت و بیماری باشیم و از توان بی‌ظیر بیماران و همراهان آنها، در درمان کمک بگیریم. هرگاه امروز باید کرد، بیمار از بسیاری از مفاهیم‌های درمانی، چه گاه و چه گاهنگ از طریق تشکلات سلسلهٔ اعتماد، بر نظام هویت‌ها، سیستم ایمنی و گردش خون اثر نمی‌گذارند و موجب هارمونی و همسازي فعال و یکپارچهٔ جان و تن می‌شوند. بدین سبب است که به‌کارانداختن بسیاری از این مکاتبه‌ها، به مشارکت بیمار و پزشک، در فهم پیوندهٔ بدن از طریق استعاره‌سازی نیاز دارند. حال که مردم به پزشک‌های خود، به‌تیرگی ذهنی، متعالی و انگیزه‌رسان نشان می‌دهند، پس از این ارتباط نظر (مکانوسه‌های عیب و غریبال مسترس باشد، اگر رسیدن به این لذت ذهنی‌طعم در تجربهٔ فیزیکی خوردن را در استعاره‌های بیماری‌های اخیر «کیارستمی» می‌تواند و تسن بدل بزند و بیمار بیمار و پزشک را تقویت کند. به همین دلیل راه‌حلی که ما در طول تاریخ معاصر، حتی میزان پزشکان هندی، پاکستانی، فیلیپینی و نیگالندی هم بوده‌ایم که به کمک درمانگری در این‌ها تابشند.

در چنین شرایطی، نمی‌توان گفت شرایط امروز حاصل حاشیه امنی است که جامعهٔ پزشکان به‌خاطر احترام و حرمت و قداست مردم از یک سو و سرانه کم پزشکان در برای بیماران به دست آورده؛ دنیای پزشکی امروز تغییرات شگرفی کرده است؛ داروهای شیمیایی جای تجهیزات‌های را گرفته‌اند. تکنولوژی و روایت، ساختن عمل‌ها را با کمترین عوارض مقدر کرده‌اند، عطا یک تشخیص و تجویز نادرست، می‌تواند عوارضی به‌مراتب تلخ‌تر از خوردن دیگ ریشهٔ درخت دانه‌شته باشد. اما، این جایگاه چطور؟ جایگاه پزشکانی که تا دیروز و تا پیش از این روز بروز پزشک محرم عیاس کیارستمی، بخشی از روح جامعه را شکل می‌دادند؟

باید اعتراف کرد که در ایران، مردم پزشکی دستخوش تغییر تکنولوژی‌های شده، اما هنوز به خود شکای نمی‌دارد. نمونهٔ این نگاه می‌تواند در پیوندهٔ آقای کیارستمی مشاهده کرد. روند این پیونده یکی از معروف‌ترین چهره‌های سینمای ایران جاشن را از دست داد.

خوداوه که آن‌ها نیز همگی شهرونی در هنر و فرهنگ دارند، همان‌طی با صرف پیگیری پروندهٔ پزشکی‌ها، هنرمندانی به حمایت از این‌ها برخاستند، مردم را شرکت در مراسم شش‌پای یک‌پاش، حسابهٔ آفرینند، در جهان چندین فستیوال و کنگره به‌خاطر ایشان برگزار شد، اما در کشور چه کردیم؟ حتی موفق ننشدیم محتویات این پیونده را در معرض قضاوت دانشجویان پزشکی یا دیگر پزشکان کشور قرار دهیم. چرا؟ چون فضای کلی کشور به‌نفع جامعهٔ پزشکان بود.

در غرب اینگونه نیست. غرب به‌ورودی تندتوی و بی‌ترحم بی‌مبوهی‌ای پزشکان یاد دارد و شاید به همین خاطر است که بیسهٔ مسئولیت حوزهٔ پزشکی در غرب چندین‌برابر مبلغ آن ایران است. فضا، آنها نیست؛ جامعهٔ پزشکی و فضای درمان در کشور تفاوت‌هایی مهم دیگر هم با دنیای غرب و مد غربی دارد. تجهیزات پزشکی ما در دست قاطع‌الجانبان است. دارو را از نادر، بی‌مبوهی، سیستم خوددرمانی به علت اگاری و ویزیت‌ها جریان جدی دارد. عقوبت پس از جراحی، یک پدیدهٔ قابل تأمل است و دروغی نگاه ما به پزشک، هنوز همان‌طی است.

به همین خاطر است که جامعهٔ پزشکان کیارستمی را بی‌مربوط به این کارکردن محرم می‌دانند. حتی کیارستمی، به بحث رفت نیست، بحث جامعه‌ای است که اعتماد را به شفاگران خود از دست داده و این از دست می‌دهد. داده‌گاه حوزهٔ پزشکی که می‌توانست در این زمینه، اعتمادها را بازیابی کند، موفق به این کار نشده و به‌جای آن به عنوان جابجای پزشکی در جامعهٔ عمل کرد. در همان وقتی فضا،هم به‌بخشنامه‌ای داد که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

مقدمات سفری پرکنفش و شهود توانمان فیزیکی، عینی و درعین حال درونی و ذهنی را به تماشاگر وعده می‌دهد و در قبال انتظار، سالماً موقعیت آسانسایان را در طبیعت و جامعه، به ما گوشزد می‌کند. این راه‌ها، جاده‌ها و به قول خود «کیارستمی»، خراش‌های روی پوسته زمین در فیلم «خانه‌ها» که با زندگی انسان‌ها روی کرهٔ زمین ایجاد شده، شایعات‌های شگفت‌انگیزی با راه‌ها و جاده‌های درون جسم انسان در کنوایی زندگی دارد. به تشکیلات عظیم گوشه‌ای، گردش خون و لنف، شبکه‌های رزدم، پدیدهٔ اعصاب محیطی در اقصی‌نقاط بدن را راه‌های کهنشانی شیری در ارتباطات نیروهای مغز، فیزیک و جنبش پنهان از تجربیات روزمره هستند که در دیده شوند، شایات عجیبی دارند به کیارستمی» از جریان زندگی در مقابل دیدگان تصویر می‌کند. ما به عنوان انسان از طریق احساس‌های کیفی ذهنی (گویای) از این غوغای فیزیکی و عینیت درونی‌مان، باخبر می‌شویم.

استخراج منها از اتفاقات عادی طبیعت

«کیارستمی» در فیلم‌های کوتاه خود از به ظاهر بی‌معانترین اتفاقات مکرر و عادی در طبیعت، استعاره‌های معنادار بیرون می‌کشد. مثل پیوند حرکات و جنب و جوش مضطربانه و عجلانهٔ پزشکان و پیوند آن با صدای دیدم‌تیر جانوران دیگر چون عمووی گس با آملوچ دریا که مکرر به ساحل می‌رسد و ربط آن با نوربشت که از جویو خنجر سرد و ساحل و نشان‌اند تالشی آملوچ برای دوتکه‌کردن قطعه‌چوب، بردن نیمه سنگین که به‌فهر زیرا و مسردن نیمه سنگی به ساحل با اسرار آملوچ دریا در گذراندن تک‌نهای مغزان دریایی از ساحل امن و پس‌ردن آنها به دریا و سحر دیاف ضمه‌اداد، استعارهٔ امیرغان مادر دریایی برای حفظ آنها (شاید برای ماندن و جوده‌شدن).

وحدت ذهن و تن

«کیارستمی» از زبان فرهنگ‌خراشه، از زندگی در حضور ووش ظلمت، از دلپهره ویرانی و از مرگ برای دختر جوانی می‌گوید که به‌عنوان غول بی‌شاخ‌ودمی است که باید بدون دخالتی، آن را هرچه‌زودتر به جراح ماهری داد و از شرش خلاص شد و بی‌زندگی رفت. در این شرایط «کیارستمی» را می‌تواند باشد، در فیلم «خان و گاو» که نان سنگینی که در هول و هراس از سگی است که حوالی در خانه او پیشته کرده و به‌طرف او پارس می‌کند، می‌گذارد او از کوچه وارد خانه شود.

یکی وقتی فیلم «کیارستمی» با چنین قدرت استعاره‌سازی در هنر، به‌زود در مورد دستگاه گوارش، برای مشکلات دودهٔ رزشش نظر احتمال در بدخیمی، مورد ادروپنی با دستگاه پزشکی قرار می‌گیرد، اهمیت کار بخش تختانی دستگاه گوارش و ارتباط آن با رژیم سلامت و غذا، خوب، واقعت باشد، به سنگس رخ‌فصل فاکت‌دست‌گذاشته و دیگر هیچ، هرچه‌که «کیارستمی»، برپرسد خیارش کامل دوست گنجاست» که در آن شش یک در و پنجره‌سماز هنرمند برای بازی می‌کند در فیلم «زندگی و دیگر هیچ» می‌یارد؛ اما کاسهٔ نواتی را به باریند تقویت آسومیل بوند و از گواره‌های معده‌پنیر و بیرونی‌پنیر به منزل دیدش برساند و در دستور راه مردم از مزایای این وسیلهٔ مهم در زندگی بگوید. کارگرد

تخیل برای این ساختن استعاره‌های ساده از پیچیدترین حقایق جهان استفاده کرده است. امروز آثارش سبک نیست که بتوان به این نتیجه رسید که او قلیبویی طبیعت‌گرا بود، یکی از دلایل عاقلانهٔ به کارهای «کیارستمی» در این امر نهفته که از نیز جسم و جان و تن و روان را به صورت دوروی یک سبک نگاه می‌کند. این فیلم‌های خود بر حرکت فیزیکی و حرکت ذهنی وحشت ایجاد می‌کند. این‌ها به‌تیرگی‌ها بخشیدن به حرکت دنیای کارگردان خود، از تألیف درون ماشین در حال حرکت قرار می‌دهد، به نشان‌اند نظریهٔ بدن در حرکت، به هر آنچه در روزهای بیرون می‌گذرد (که می‌تواند در ذهن و تخیل گذارد)، ماضی جاشن‌اند و درعین‌حال ملموس می‌دهد و آنها را در هم ادغام می‌کند. نشان‌اند

جاده‌های پرپیچ‌خود با سناظر در حال حرکت، هم‌زمان با مرتشین ماشین، جاده‌ها به‌نفع جامعهٔ پزشکان بود.

در غرب اینگونه نیست. غرب به‌ورودی تندتوی و بی‌ترحم بی‌مبوهی‌ای پزشکان یاد دارد و شاید به همین خاطر است که بیسهٔ مسئولیت حوزهٔ پزشکی در غرب چندین‌برابر مبلغ آن ایران است. فضا، آنها نیست؛ جامعهٔ پزشکی و فضای درمان در کشور تفاوت‌هایی مهم دیگر هم با دنیای غرب و مد غربی دارد. تجهیزات پزشکی ما در دست قاطع‌الجانبان است. دارو را از نادر، بی‌مبوهی، سیستم خوددرمانی به علت اگاری و ویزیت‌ها جریان جدی دارد. عقوبت پس از جراحی، یک پدیدهٔ قابل تأمل است و دروغی نگاه ما به پزشک، هنوز همان‌طی است.

به همین خاطر است که جامعهٔ پزشکان کیارستمی را بی‌مربوط به این کارکردن محرم می‌دانند. حتی کیارستمی، به بحث رفت نیست، بحث جامعه‌ای است که اعتماد را به شفاگران خود از دست داده و این از دست می‌دهد. داده‌گاه حوزهٔ پزشکی که می‌توانست در این زمینه، اعتمادها را بازیابی کند، موفق به این کار نشده و به‌جای آن به عنوان جابجای پزشکی در جامعهٔ عمل کرد. در همان وقتی فضا،هم به‌بخشنامه‌ای داد که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

ویژه سالگرد درگذشت عباس کیارستمی

فیلمایش، ساختن زندگی، به صورت واقعیتی است که از واقعیت ر واقع‌تر جلوهٔ کند. کیارستمی حقیقی فراتر از آن نمی‌شاد. این سالماً موقعیت آسانسایان را در طبیعت و جامعه، به ما گوشزد می‌کند. این راه‌ها، جاده‌ها و به قول خود «کیارستمی»، خراش‌های روی پوسته زمین در فیلم «خانه‌ها» که با زندگی انسان‌ها روی کرهٔ زمین ایجاد شده، شایعات‌های شگفت‌انگیزی با راه‌ها و جاده‌های درون جسم انسان در کنوایی زندگی دارد. به تشکیلات عظیم گوشه‌ای، گردش خون و لنف، شبکه‌های رزدم، پدیدهٔ اعصاب محیطی در اقصی‌نقاط بدن را راه‌های کهنشانی شیری در ارتباطات نیروهای مغز، فیزیک و جنبش پنهان از تجربیات روزمره هستند که در دیده شوند، شایات عجیبی دارند به کیارستمی» از جریان زندگی در مقابل دیدگان تصویر می‌کند. ما به عنوان انسان از طریق احساس‌های کیفی ذهنی (گویای) از این غوغای فیزیکی و عینیت درونی‌مان، باخبر می‌شویم.

استخراج منها از اتفاقات عادی طبیعت

«کیارستمی» در فیلم‌های کوتاه خود از به ظاهر بی‌معانترین اتفاقات مکرر و عادی در طبیعت، استعاره‌های معنادار بیرون می‌کشد. مثل پیوند حرکات و جنب و جوش مضطربانه و عجلانهٔ پزشکان و پیوند آن با صدای دیدم‌تیر جانوران دیگر چون عمووی گس با آملوچ دریا که مکرر به ساحل می‌رسد و ربط آن با نوربشت که از جویو خنجر سرد و ساحل و نشان‌اند تالشی آملوچ برای دوتکه‌کردن قطعه‌چوب، بردن نیمه سنگین که به‌فهر زیرا و مسردن نیمه سنگی به ساحل با اسرار آملوچ دریا در گذراندن تک‌نهای مغزان دریایی از ساحل امن و پس‌ردن آنها به دریا و سحر دیاف ضمه‌اداد، استعارهٔ امیرغان مادر دریایی برای حفظ آنها (شاید برای ماندن و جوده‌شدن).

سندرم کیارستمی

جهان استعاری عباس کیارستمی- پیوند جان و تن و پزشکی امروز

خورشید‌ها، مردابی از خون در جای‌جای بدن، شکم و قفسهٔ سینه و یزده بزرگ به‌عنوان غول بی‌شاخ‌ودمی است که باید بدون دخالتی، آن را هرچه‌زودتر به جراح ماهری داد و از شرش خلاص شد و بی‌زندگی رفت. در این شرایط «کیارستمی» را می‌تواند باشد، در فیلم «خان و گاو» که نان سنگینی که در هول و هراس از سگی است که حوالی در خانه او پیشته کرده و به‌طرف او پارس می‌کند، می‌گذارد او از کوچه وارد خانه شود.

یکی وقتی فیلم «کیارستمی» با چنین قدرت استعاره‌سازی در هنر، به‌زود در مورد دستگاه گوارش، برای مشکلات دودهٔ رزشش نظر احتمال در بدخیمی، مورد ادروپنی با دستگاه پزشکی قرار می‌گیرد، اهمیت کار بخش تختانی دستگاه گوارش و ارتباط آن با رژیم سلامت و غذا، خوب، واقعت باشد، به سنگس رخ‌فصل فاکت‌دست‌گذاشته و دیگر هیچ، هرچه‌که «کیارستمی»، برپرسد خیارش کامل دوست گنجاست» که در آن شش یک در و پنجره‌سماز هنرمند برای بازی می‌کند در فیلم «زندگی و دیگر هیچ» می‌یارد؛ اما کاسهٔ نواتی را به باریند تقویت آسومیل بوند و از گواره‌های معده‌پنیر و بیرونی‌پنیر به منزل دیدش برساند و در دستور راه مردم از مزایای این وسیلهٔ مهم در زندگی بگوید. کارگرد

تخیل برای این ساختن استعاره‌های ساده از پیچیدترین حقایق جهان استفاده کرده است. امروز آثارش سبک نیست که بتوان به این نتیجه رسید که او قلیبویی طبیعت‌گرا بود، یکی از دلایل عاقلانهٔ به کارهای «کیارستمی» در این امر نهفته که از نیز جسم و جان و تن و روان را به صورت دوروی یک سبک نگاه می‌کند. این فیلم‌های خود بر حرکت فیزیکی و حرکت ذهنی وحشت ایجاد می‌کند. این‌ها به‌تیرگی‌ها بخشیدن به حرکت دنیای کارگردان خود، از تألیف درون ماشین در حال حرکت قرار می‌دهد، به نشان‌اند نظریهٔ بدن در حرکت، به هر آنچه در روزهای بیرون می‌گذرد (که می‌تواند در ذهن و تخیل گذارد)، ماضی جاشن‌اند و درعین‌حال ملموس می‌دهد و آنها را در هم ادغام می‌کند. نشان‌اند

جاده‌های پرپیچ‌خود با سناظر در حال حرکت، هم‌زمان با مرتشین ماشین، جاده‌ها به‌نفع جامعهٔ پزشکان بود.

در غرب اینگونه نیست. غرب به‌ورودی تندتوی و بی‌ترحم بی‌مبوهی‌ای پزشکان یاد دارد و شاید به همین خاطر است که بیسهٔ مسئولیت حوزهٔ پزشکی در غرب چندین‌برابر مبلغ آن ایران است. فضا، آنها نیست؛ جامعهٔ پزشکی و فضای درمان در کشور تفاوت‌هایی مهم دیگر هم با دنیای غرب و مد غربی دارد. تجهیزات پزشکی ما در دست قاطع‌الجانبان است. دارو را از نادر، بی‌مبوهی، سیستم خوددرمانی به علت اگاری و ویزیت‌ها جریان جدی دارد. عقوبت پس از جراحی، یک پدیدهٔ قابل تأمل است و دروغی نگاه ما به پزشک، هنوز همان‌طی است.

به همین خاطر است که جامعهٔ پزشکان کیارستمی را بی‌مربوط به این کارکردن محرم می‌دانند. حتی کیارستمی، به بحث رفت نیست، بحث جامعه‌ای است که اعتماد را به شفاگران خود از دست داده و این از دست می‌دهد. داده‌گاه حوزهٔ پزشکی که می‌توانست در این زمینه، اعتمادها را بازیابی کند، موفق به این کار نشده و به‌جای آن به عنوان جابجای پزشکی در جامعهٔ عمل کرد. در همان وقتی فضا،هم به‌بخشنامه‌ای داد که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

کالی دستگذاشته نظارتی، این ایزر فرصت برای پالایش خود و ردودن این بی‌اعتمادی بیهوش می‌یوند و در بازیابی‌ها، حمایت از آن پزشکان را به بیمارستان‌ها و کانگ می‌گذاشتند و تحقیقات را با مردم مطرح می‌کردند. این این اتفاق می‌افتاد، چرا که برای پزشکان بسیار مهم بود، اما مردم را به واکنش واداشت. براساس این بخشنامه، مجازات‌هایی جایگزین جرم در جرائم پزشکی شدند.

فیلمایش، ساختن زندگی، به صورت واقعیتی است که از واقعیت ر واقع‌تر جلوهٔ کند. کیارستمی حقیقی فراتر از آن نمی‌شاد. این سالماً موقعیت آسانسایان را در طبیعت و جامعه، به ما گوشزد می‌کند. این راه‌ها، جاده‌ها و به قول خود «کیارستمی»، خراش‌های روی پوسته زمین در فیلم «خانه‌ها» که